

نوشته از استاد بزرگ حقوق افغانستان محترم پوهاند دوکتور محمد قاسم فاضلی



## ضرورت مبرم به قانون اساسی

در بیانیه‌ای رادیویی دکتور نجیب الله تور وایانا رییس هیات اعزامی افغانستان به کراچی سطور آتی جلب نظر میکند:

“ مایه افتخار من است که از مرکز رادیوی افغانستان روی موضوع سرنوشت برادران ما که در ماوراء خط دیورند زندگی دارند و آینده‌ی سرزمین شان که از روزگاران باستان تا امروز آشیانه و کاشانه‌ی پشتونهاست، سخن میرانم ”

از کسی پوشیده نیست که سفر مذکور که بمناسبت ایجاد پاکستان صورت گرفته بود ثمری در پی نداشت، چنانچه جناب تور وایانا دست خالی به افغانستان بازگشت و در بهترین وجه آن حاکمان وقت پاکستان وعده دادند که به خواسته‌های افغانستان راجع به علاقه‌های سرحدات شمال غرب را در تشکیلات فدرالی رسیدگی می‌گردد، اما هیچ سندی را درین باره امضا نکردند.

امروز که مردم افغانستان مشغول مرهم داری به درد های سال نامیمون گذشته می‌باشند، پسر مولانا حقانی به آواز بلند مدعی می‌شود که :

“ جای غرور و افتخار است که شاگردان مدرسه‌ی دینی حقانیه افغانستان را تسخیر کرده اند ”  
برای مردم افغانستان حرف‌های از این قبیل تازگی ندارد، تاریخ افغانستان مملو از سخنان مزورانه‌ی است که در ارتباط با بازی‌های سیاسی از آنطرف خط گفته می‌شود .  
آنچه قابل سوال است که :

چه چیز سبب شده که تا حال بیش از پنج ماه از تجاوزهای آنطرف خط ب خاک افغانستان می‌گذرد، حتی یک کشور عضو سازمان ملل حاضر نشده که سلطه افغانستان توسط طالبان را برسمیت بشناسد .

در همه احوال مردم در افغانستان، خاصتا قشر جوانان (زن و مرد) حاضر نخواهند شد مسیر زندگی آینده‌ی شانرا بر طبق هدایات مدارس گمراه پاکستان انجام دهند. مردم افغانستان در هر وضعیتی که باشند ، ترجیح می‌دهند تا از قانون پیروی و زیر چتر قانون اساسی زندگی نمایند .

قانون و قانون اساسی سابقه طولانی و بیشتر از صد سال درکشور دارد و میراث بزرگ مشروطیت و شاه امان الله است .

در یک قرن گذشته قانون اساسی ( ۱۳۴۳ شمسی ) که قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان ملهم و متأثر از آن بود ، حایز اهمیت زیاد می باشد .

جناب الاخضر ابراهیمی نماینده خاص مقام سر منشی سازمان ملل که در اجلاس بن از آن سازمان نمایندگی می کرد، بمن اظهار داشت که :

” ما در تدوین قانون اساسی از کارهایی که شما در روم انجام دادید، پیروی کرده ایم ”

صحبت از انفاذ قانون اساسی دوره مشروطیت صورت گرفته است که باید هرچه عاجل بخاطر چگونگی آن تدابیر اتخاذ گردد و در غیر آن در فقدان حاکمیت قانون و نبود قانون اساسی هرگونه صحبت از صلح واقعی و پایدار ، ایجاد موسسات دولتی و شکل گیری یک دولت مقتدر که بتواند با مشکلات جاری مقابله نماید ، سراب بیش نمی باشد .

تاکید مکرر بسیاری از افغانان و شخصیت های بین المللی بر اصل همه شمول بودن دولت بحیث یک نیاز ملی در حکومت داری در وجود قانون اساسی بازتاب پیدا مینماید .

بدیهی ست که در تاریخ سیاسی افغانستان از پادشاه فقید کشور محمد ظاهر شاه بخاطر این قانون اساسی با سپاسگزاری یاد شود و بجا است تا از ذوات گرامی که در تدوین قانون اساسی سهم بارز داشتند ، یادمانی گردد و منجمله در قبال یکی از فرزندان خیر کشور مرحوم موسی شفیق شهید که نقش برجسته را عهده دار بوده است .

با مسرت مشاهده میکنم که در انجمن حقوق دانان افغان در اروپا نیز همین شیوه دفاع از حاکمیت قانون را اتخاذ کرده اند ، روش جهان شمولی که یکی از تقاضاهای خلل ناپذیر مردم افغانستان نیز می باشد .

من مانند سال گذشته از جناب رییس انجمن محترم سادات ، شورای رهبری و همه ی اعضای آن که در شرایط سخت امروزی توانسته اند بیرق دولت قانونمند را همچنان افراشته نگهداشته اند و بخاطر حاکمیت قانون تلاش خسته ناپذیر مینمایند، تشکر می نمایم و برای تمام همسلکان عزیز استدعای موفقیت دارم .

من یقین دارم که وضع از هم پاشیده ی امروز که در نتیجه ی تعرض و سیطره نظامی طالبان بوجود آمده، بزودی پایان می یابد.

با احترام

